



سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

سرمقاله

رفراندوم انجام شد اما...

رفراندوم در شرایطی که فضای غیر دمکراتیک برکشور غالب بود، در شرایطی که رای دهندگان و طرفداران آزادی و دمکراسی هیچگونه اطلاعی از چهارچوب قانون اساسی و ماهیت جمهوری اسلامی نداشتند برگزار شد. به هر حال همانطوریکه قبلا گفته ایم بحث مابه هیچ وجه برسرنام جمهوری نیست، بلکه قانون اساسی آن، محتوی و عملکرد آن است که می باید ملاک قضاوت مردم قرارگیرد. ماقبل از فراندوم گفتیم که پیش از هر چیزی، مجلس موسسان از نمایندگان منتخب مردم تشکیل شود. قانون اساسی را تدوین نماید، سپس نوع جمهوری را به همه پرسى بگذارد. ولی بدون توجه به این سیر منطقی رفراندوم انجام پذیرفت. از قیام پیروزمند ۲۱ بهمن تاکنون مردم چشم انتظار اقداماتى انقلابی و تغییراتی اساسی بوده اند، ولی هنوز حداقل آنچه را که از انقلاب انتظار داشتند بدست نیاورده اند. حال باید دید که از این به بعد چه تغییراتی در زندگی مردم روی خواهد داد، و چه تصمیماتی در جهت منافع مستقیم توده های زحمتکش و کوتاه کردن دست امپریالیسم و عناصر وابسته به آن انجام خواهد گرفت؟ در قانون اساسی جدید تاجه اند از خواستهای کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته می شود؟ و دمکراسی مورد نظر توده ها تاجه میزانی برقرار خواهد شد؟ چگونه پاسخ گویی به این خواستها و نیازهای مردم است که محتوی جمهوری اسلامی را تعیین خواهد کرد. بدیهی است جمهوری اسلامی تا آنجا که محتوایی دمکراتیک و ضد امپریالیستی داشته باشد و قانون اساسی آن با توجه به منافع زحمتکشترین اقشار و طبقات تنظیم شود و دستهای امپریالیسم و وابستگانش را کوتاه کند، مورد تأکید مردم و نیروهای مترقی قرار خواهد گرفت. در غیر این صورت از حمایت مردم برخوردار نخواهد بود. برای این چنین چگونگی بر غرض بود. با مسائل زیر است که محتوای حکومت آینده را مشخص خواهد کرد.

سرمایه های وابسته و دلالان امپریالیسم که اقتصاد کشور را در دست داشتند و به استثمار توده ها مشغول بودند، صنایع وابسته که پایگاه امپریالیسم بوده اند و دستخیز و وضعیتی خواهند یافت؟ آیا بانکها که عامل تسلط سرمایه های مالی امپریالیستها و یکی از ارکان جذب دسترنج کارگران و زحمتکشان است، ملی میشود؟ کنترل و اداره آنها چگونه و در جهت منافع چه کسانی خواهد بود؟ صنعت نفت به چه صورتی اداره می شود و درآمدهای حاصل از آن در چه جهتی است؟ آیا در جهت منافع کارگران و دهقانان و زحمتکشان است؟ یا مجددا در جهت تحکیم قدرت امپریالیستها و سرمایه داران وابسته به کار گرفته خواهد شد؟ قوانین ضد کارگری و ضد دمکراتیک، قوانینی که حافظ تمام و کمال منافع سرمایه داران وابسته است و کارگران را به برده تبدیل کرده، لغو خواهد گردید؟ برای بهبود وضعیت کشاورزی و جبران خانه خرابی های دهقانان، برای انجام اصلاحات ریشه ای و دمکراتیک، برای جلوگیری از اجحافات کشت و صنعتها و شرکتهای سهامی زراعی و سایر موسسات مشابه چه اقداماتی خواهد شد؟ برای تامین آزادی اجتماعات و تظاهرات، آزادی کامل قلم و بیان و اعتقاد آزادی تشکیل احزاب و سازمانهای سیاسی، صنعتی، فرهنگی و اجتماعی چه پیش بینی هایی کرده است؟ آیا برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمام زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در نظر گرفته شده است؟ حقوق ملی و دمکراتیک خلقها در تعیین سرنوشت خود تامین و به رسمیت شناخته خواهد شد؟

پاسخ عملی به این مسائل و خواستهای مردم است که محتوای جمهوری اسلامی را روشن خواهد کرد و نتایجی بر ای کارگران و زحمتکشان که خون بهای سنگینی پرداخته اند، به بار خواهد آورد.

کارگران سخن میگویند:

از آنجا که رفراندوم به پایان رسیده و مردم کشور ما اکنون خواستار تغییراتی انقلابی در تمام سطوح جامعه هستند، لازم دانستیم بخشهایی از بحث و گفتگوی کارگران را در این شماره بیاوریم که گویای خواستها و انتظارات آنها از برنامه آینده دولت است. بقیه در صفحه ۲

درباره حوادث گنبد

فدائیان موظفند سخن بگویند

میهن پرستان موظفند لب به سخن بکشایند، حقایق را برای مردم بازگو کنند، همه چیز را بگویند تا، افشا شوند توطئه گرانی که تلاش می کنند دستاوردهای مبارزات مردم و قیام قهرمانانه شان را پایمال کنند، انقلاب ستکشان را به کج راه کشانند، پیروزی انقلاب را بر ارتجاع وابسته به امپریالیسم مانع شوند، و از احقاق حقوق زحمتکشان و خلقهای مبارز میهنمان جلو گیرند. همه مردم باید از توطئه ای کثیف باخبر شوند. همه باید بدانند ارتجاع زخم خورده با چه حلیه هایی میکوشد در بین مردم تفرقه بیندازد و نیروهای مردمی را در برابر یکدیگر قرار دهد، و چگونه می خواهد پیگیرترین، پایدارترین و پاکبخته ترین نیروهای مدافع

میهن پرستان موظفند لب به سخن بکشایند، حقایق را برای مردم بازگو کنند، همه چیز را بگویند تا، افشا شوند توطئه گرانی که تلاش می کنند دستاوردهای مبارزات مردم و قیام قهرمانانه شان را پایمال کنند، انقلاب ستکشان را به کج راه کشانند، پیروزی انقلاب را بر ارتجاع وابسته به امپریالیسم مانع شوند، و از احقاق حقوق زحمتکشان و خلقهای مبارز میهنمان جلو گیرند. همه مردم باید از توطئه ای کثیف باخبر شوند. همه باید بدانند ارتجاع زخم خورده با چه حلیه هایی میکوشد در بین مردم تفرقه بیندازد و نیروهای مردمی را در برابر یکدیگر قرار دهد، و چگونه می خواهد پیگیرترین، پایدارترین و پاکبخته ترین نیروهای مدافع

بقیه در صفحه ۷

چگونگی تشکیل شورای کارگران در یک کارخانه

در این شماره جریان تشکیل شورای کارگران کارخانه کلوکوزان و دستاورد هائی که این شورا در مدت کوتاهی حیات خود داشته است به اطلاع خوانندگان میرسد. کارخانه کلوکوزان واقع در شهر تبریز است. این کارخانه در سال ۱۳۴۵ کارگر مرد دارد. تولیدات این کارخانه مواد غذایی از قبیل نشاسته، گلوکز، خوراک دام و چند محصول دیگر غذایی است. این کارخانه جزو صنایع وابسته به انحصارات غربی است و یک شرکت چند ملیتی ۴۰-۵۰ درصد سهام را در اختیار دارد. قسمتی از مواد اولیه مورد نیاز کارخانه از خارج وارد میشود.

ارتش خلق چیست؟

رفقای کارگر سئوالات زیادی در مورد پاره ای مسائل اجتماعی از ما کرده اند که از این به بعد سعی خواهیم کرد در هر شماره به یکی از آنها پاسخ گوئیم. در این شماره تحت عنوان ارتش خلق چیست به یکی از این پرسش ها پاسخ خواهیم گفت.

تاریخ تمام جوامع از زمان بوجود آمدن طبقات تاکنون تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است. مبارزه به صورت قهر آمیز و یا غیر قهر آمیز همواره در این جوامع وجود داشته و مبارزه مسلحانه ادامه مبارزه سیاسی و عالی ترین شکل مبارزه است. در جوامع طبقاتی دوتنوع سیاست را از یکدیگر جدای کنیم. سیاست طبقه ای که دیگران را استثمار و سرکوب می کند و سیاست طبقه ای که استثمار و سرکوب می شود. استثمارگران برای اعمال سیاست

بقیه در صفحه ۲

آقای قطب زاده!

هدف از پخش اخبار جعلی و تحریک آمیز چیست؟ در رابطه با وقایع و برخوردهای مسلحانه که در گنبد جریان داشت، با رها بیانیه هائی از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق به تلویزیون داده شد. این بیانیه ها که جهت روشن کردن حقایق برای هموطنان و افشای توطئه های مرتجعین بود و به صراحت عدم دخالت مارا در جنگ های گنبد بیان کرده و ادامه جنگ را زهر طرف محکوم کرده بود از

صبح روز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه سال گذشته همزمان با پیروزی قیام تهران بود که کارگران کارخانه جلوی نگهبانی جمع شده بودند و فریادهای مرگ بر شاه، مرگ بر بختیار، مرگ بر مدبر عامل ظنن انداز بود. رژیم سلطنتی سقوط کرده بود. شور و شوق کارگران بی اندازه بود. فریادهای بلند مرگ بر تمام کارفرمایان سرسپرده، کارگران را ذوق زده کرده بود.

بقیه در صفحه ۷

اول ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران، عید انقلابی زحمتکشان سراسر جهان است. پیش از ۹۰ سال است که زحمتکشان کشورهای مختلف، این روز را با تظاهرات، راهپیمائی و جشنهای با شکوه برگزار میکنند. در این روز تاریخی میلیونها کارگر در سراسر جهان دست از کار میکشند و خواستهای خود را با شرکت در مراسم اول ماه مه بیان میکنند. تاریخ اول ماه مه به وقایعی بر میگردد که در سال ۱۸۸۶ در آمریکا اتفاق افتاد. بقیه در صفحه ۴

در این شماره

- کزارشی از یک بازجویی ۲
- اخبار کارگری ۳
- ادبیات کارگری ۴
- تاریخچه اول ماه مه ۴
- اخبار خارجی ۵
- اخبار شهر و روستا ۶
- ورود اسفک کاپوچی به ایران ۶
- سندی دیگر از اختناق ۸
- تلفیقات مفرضانه علیه نیروهای مبارز ۸

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران سخن میگویند:

بقیه از صفحه اول

"هنوز مفهوم جمهوری اسلامی را بهمانگفته اند که یعنی چه؟ آیا برای زحمتکشان و قشرهای پایین برنامه هائی در نظر گرفته اند؟ وقتی من کارگر ندانم برایم چه چیز در نظر گرفته شده، به چه چیز رای بدهم؟"

"من یک کارگر برق هستم. تا بحال برای ما کارگران کسی کاری نکرده است. ولی وقتی که کسی میخواهد ما را بدهم، دیگر با هم بی حسابیم. آقای خمینی گفته یول کارگرها را بدهید، چرانی دهند؟ مگر این حرف اسلامی نیست؟ چرا عمل نمیکنند؟"

"الان میگویند که پول تلفن فلان قدر شده، که من اصلا تلفن ندارم. میگویند آب و برق اینقدر شده، که همان چیزی را که قبلا میدادم الان هم دارم میدهم. هیچ چیز تغییری نکرده، اگر ما میخواهیم به اسم رای بدهم که آن مسئله جداگانه ای است. ولی اگر به خواستههایمان رسیدگی میشود، آن برایم مهم است."

"اگر در فرزندم شرکت نمیکنم، به این خاطر نیست که از اسلام اجراه قلبی دارم. یا بگویم خدانیت و غیره، اگر حتی یک عده بپایند و بخواهند جمهوری سوسیالیستی برقرار کنند و فرزندم بگذارند، باز هم ما خواسته هایمان را میخواهیم. میخواهیم بدانیم آن جمهوری چه کاری برای ما مردم و طبقات زحمتکش میکند؟ مسئله دین اصلا مطرح نیست. ما خواسته داریم. ما چیزهایی را میخواهیم که در جامعه گذشته از دست دادیم و میخواهیم آن رژیم که سر کار میاید، حقوقمان را بدهد. این راهم بگویم که بعضی از رفقا میگویند که چون این رژیم حق ما را نمیدهد رای نمیدهم. ماحق نمخواهیم، حق را میگیریم."

"اول باید ببینیم ماهیت این دولت چیست؟ و نماینده کی هست؟ بعد خواسته ها ما را بگوئیم و توقع داشته باشیم خواسته کارگرها برآورده کند. اگر این دولت نماینده مردم است، باید منافع ما را در نظر بگیرد. اینکه آب و برق و تلفن را مطرح میکنند، اینها چیزهای جزئی است. یک چیز کلی تری هست که آن قانون است. ما باید بدانیم اصلا چه قانونی میخواهند برای ما بگذارند. قانون اساسی الان مهمترین چیزی است که باید درباره اش حرف زده بشود. در این قانون اساسی برای کارگر چه چیزی در نظر گرفته شده؟ مسئله این نیست که فلان کس حرفی را میزند و فلانی اجرا نمیکند. مسئله سیستم است. مسئله آن نظام اجتماعی است. ارتش، فرهنگ، دادگستری به همان شکل قبلی است. پس قوانین قبلی هم دارد اجرا میشود. مجلس مؤسسان قانون اساسی را می نویسد، آینده من توی همین قانون اساسی است. اگر این دولت موقت واقعا از منافع مردم دفاع میکند، چرا قانون اساسی را اول نوشت و بهمانگفت؟"

"مانه تضمینی برای فرزندم داریم و نه میدانیم جمهوری اسلامی چی هست؟ اصلا معلوم نیست حرفهایی که زده میشود حرفهای چه کسی است؟ آدمهای غیرمسئول می آیند و درست ضد و نقیض هم حرف میزنند. آقای بهشتی یک چیزی میگوید، بنی صدر یک چیز دیگر. آن بهشت موعودی که میگویند جمهوری اسلامی است، کدام یک از اینهاست؟ مثلا "قدرت رووی این سر لشکر تره نی تکیه شد، اسرار و مدارک رده شد، آقایان قبول نمیکردند و حرف خودشان را میزدند، بعد خودشان عوض کردند. پس کدام حرف درست است؟"

میگویند جمهوری اسلامی مترادف است با آزادی و استقلال. آیا با توضیح هم میدهند چه نوع آزادی؟ و چه نوع استقلالی؟ آقای بنی صدر میگوید که خوب مخالفین ضرورت ندارد که رای "نه" بدهند بپایند رای سفید بدهند. مثل اینکه ایشان در آسمان زندگی میکنند یا هنوز در اروپا هستند. در حالیکه همه میدانیم که در کارت فرزندم اصلا جای سفید نیست. خلاصه هر دسته و گروهی استنباط های خودش را از جمهوری اسلامی دارد و بنابه سلیقه خودش فکر میکند و بهیچوجه هم این حرفها را من اجرائی ندارد."

"من میخواهم بدانم، آیا در آینده، کارخانجات کفش ملی، ماشین سازی، ناسیونال، ماشین سازی خاور و خیلی از این نوع کارخانجات ملی خواهند شد یا نه؟ اکثر کارخانه ها و شرکت های خارجی هستند یا به دربار وعده ای سرمایه دار وابسته تعلق دارند."

ارتش خلق چیست؟

بقیه از صفحه اول

خود به نیروی ارتش ضد خلقی متکی می شوند. در مقابل آن استثمار شوندگان، در جریان مبارزه و نبرد علیه ستم طبقاتی در جریان انقلاب خلق و در طی نبرد مسلحانه بسیار طولانی و فوق العاده دشوار ارتش خلق رابه وجود می آورند. به این ترتیب در جریان انقلاب دوشکل حکومت، دودنوع جنگ و دو ارتش جدا از هم و در مقابل هم دیده میشود. یکی انقلابی است و از مردم سرچشمه می گیرد و دیگری ضد انقلابی است. از بالا درست شده و تحمیل می شود.

ارتش خلق ارتشی است که میهن پرستان انقلابی، تمام ملیتها و اقلیت های گوناگون در آن علیه امپریالیسم و وابستگی می جنگند. ارتش خلق طی مبارزاتی طولانی بر اساس خدمت داوطلبانه تشکیل می شود. تمام کادرها و سربازان در هدفهای مبارزه خود و در چهارچوب خواسته های طبقاتی خود با هم متحد میشوند و با ورود جوانان پیشاهنگی که بخاطر بوطون داوطلبانه وارد ارتش شده اند رشد می باید و گسترش پیدا می کند.

ارتش خلق از نبرد مردم بر علیه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن جدا نیست و با تکیه بر شور انقلابی و شرکت مردم و پشتیبانی آنها، هم به هنگام صلح و هم به هنگام جنگ هر لحظه میتواند وظیفه اش را که دفاع از صلح و میهن است انجام دهد. دفاع از انقلاب تدارک و آماده شدن برای درهم شکستن هر نوع توطئه امپریالیسم و محو کامل سلطه آن جز با ارتشی انقلابی امکان پذیر نیست.

ارتش خلق از زحمتکشان تشکیل میشود. ارتشی است که استخوان بندی آنرا کارگران و دهقانان تشکیل می دهند و بهترین عناصر طبقات انقلابی را در خود جای می دهد. بیش از همه طبقه کارگر و دهقانان در آن شرکت دارند، از

همه ملیتها عضو گیری می کند، ابزاری در خدمت مبارزه انقلابی برای رهائی طبقه کارگر از هرگونه ستم و استثمار است. ارتش خلق قدرت مسلح دولت دموکراتیک خلق را تشکیل می دهد و از حاکمیت خلق در برابر دشمنان داخلی و خارجی دفاع می کند. خصلت ارتش خلق همان خصلت طبقه کارگر است. از این رو هدف مبارزه اش در پیکار علیه امپریالیسم و وابستگی همان هدفهای طبقه کارگر و خلق است. یعنی: ناپودی امپریالیستها و نوکران شان و ایجاد کشوری آباد و آزاد که همه مردم و خلقها بطور مساوی در صلح، بدون استثمار انسان از انسان در کنار هم زندگی کنند.

ارتش خلق، حقیقتا فرزند خلق است و خلق به سهم خود از هیچ گونه کمک و پشتیبانی نسبت به آن فروگذار نمی کند. منبع انرژی و قدرت ارتش خلق در همین مسئله نهفته است. ارتش خلق از این امر غافل نیست که با مردم کشور روابط و مناسبات خوبی برقرار کند، زیرا هر دو دارای یک هدف اند. خلق و ارتش خلق قلب واقعی مبارزه علیه دشمن به خاطر رهائی مردم و طبقه کارگرند. ارتش خلق از مردم و مردم از ارتش خلق اند. ارتش خلق در جبههها

مبارزه میکند، از منافع خلق در مقابل امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن دفاع می کند. در امر آموزش مردم همکاری می کند و خلاصه هر آنچه از دستش بر می آید برای مردم، به بهترین وجهی انجام می دهد. در برخورد با مردم و تماس با آنان ارتش خلقی این مسائل را رعایت می کند: احترام به خلق، پشتیبانی از خلق و دفاع از خلق، فقط به این ترتیب است که میتوانست از پشتیبانی خلق برخوردار شود. فقط به این ترتیب است که خلق و ارتش می توانند رابطه ای جدائی ناپذیر

گزارشی از یک بازجویی در کمیته اسلامی بناب

از میان دو آب عازم تبریز بودیم. در شهر ستان بناب، افراد کمیته انقلاب جلوی ماشین را گرفتند. از نحوه تجسس و رفتارشان معلوم بود که دنبال اعلامیه و جزوه می گشتند. نشریه "کار فوق العاده" و یک جزوه درباره انقلابهای فوری و اکتسیر، از داخل ماشین ما برداشتنند و بخاطر آن ما را دستگیر کردند و به "کمیته" بردند. حمل و حتی خواندن اعلامیه های

حقوق و مزایای زحمتکشان به چه طریق خواهد بود، با گذشته چه فرقی خواهد داشت؟ آیا در قانون اساسی جمهوری اسلامی تمام این مسائل روشن خواهد شد؟ آیا بانکها در جمهوری آینده میتوانند مثل سابق به کار خود ادامه دهند، آیا ملی خواهند شد یا نه؟

"ما میگوئیم هر مرام و مسلکی که می خواهد در این مملکت باشد، باید منافع تو من کارگزاران در نظر بگیرد. هر دینی باشد، فرقی نمیکند، مسئله منافع مردم ماست. اگر جمهوری اسلامی منافع مارا تا مین میکند چه بهتر، جمهوری اسلام باشد. اگر جمهوری دیگری میخواهد منافع مارا تا مین کند باشد. مهم اینست که ما بفهمیم چه کسی واقعا میخواهد منافع مارا تا مین کند."

با هم داشته باشند. در هنگام صلح ستونهای منظم ارتش خلق در ساختن و تعمیر راههای ارتباطی، استفاده از زمینهای بایر برای ایجاد مزارع کشاورزی شرکت در امور تولیدی، مبارزه علیه طفیان آب، سیل و خشکسالی شرکت فعال می کند. شوراها را منتخب کادربهای ارتش خلق است که فرماندهان و قوانین و مقررات آن را تعیین می کند. این شوراها به شیوه آزادانه و با شرکت همه کادربهای ارتش انتخاب می گردد، روی این اصل ارتش خلق ارتشی دمکراتیک است. و بنابه سازماندهی خاص آن از افرادی ترکیب یافته که کاملاً آزادانه برای انقلاب مردم مصمم شده اند و برای تامین منافع و خواسته های مردم مبارزه می کنند و آزادی و دمکراسی آنها دفاع می کنند. اصول دمکراتیک رهبری که در درون ارتش خلق حاکم است انضباطی آهنین رابه وجود می آورد. این نظم و انضباط ارتش خلق آگاهانه و آزادانه است. درد رون ارتش خلق بین کادربها مناسبات متقابل رفیقانه ای برقرار خواهد بود. افسران و سربازان که خود از کارگران و دهقانان منشاء گرفته اند همانند آنان نمایندند شرکت بی دریغ در تحقق آرمان مردم و طبقه کارگر و منافع و خواسته های آنانند. تجربه نشان داده که هر چه بیشتر در درون ارتش خلق دمکراسی به تحقق پیوندد، روحیه همبستگی درونی و نظم و انضباط نیز تقویت خواهد یافت. دستورات آسانتر اجرا می شود و روحیه رزمندگی ارتش نیز در دفاع از مردم و منافع آنها افزایش مییابد. تاریخ نشان داده است که یک ارتش خلقی که مهمات و اسلحه کافی ندارد ولی برای امر عادلانه ای مبارزه می کند و استراتژی و تاکتیک صحیحی بکار می برد، عملا در موقعیتی قرار می گیرد که بر ارتش مدرن امپریالیستها متجاوز و دارنده است و وابسته به آنها پیروز گردد.

ضد انقلابی! و ارتجاعی! خودداری کنیم.

سرانجام با وساطت یکی از معلمان مارا به مراغه بردند. در مراغه با همکاری اعضا کانون فرهنگی آزاد شدیم. باید گفت که بخشی از مردم بناب به شدت از اعمال کمیته ناراضی اند و خواستار انحلال کامل آن میباشند.

سرانجام ما را به مراغه بردند. در مراغه با همکاری اعضا کانون فرهنگی آزاد شدیم. باید گفت که بخشی از مردم بناب به شدت از اعمال کمیته ناراضی اند و خواستار انحلال کامل آن میباشند. سرانجام ما را به مراغه بردند. در مراغه با همکاری اعضا کانون فرهنگی آزاد شدیم. باید گفت که بخشی از مردم بناب به شدت از اعمال کمیته ناراضی اند و خواستار انحلال کامل آن میباشند.



ما وعده نمی خواهیم، ما کار می خواهیم

این روزها از همه جا خبر از اعتراضات وسیع کارگران بیکار می رسد. تا چند ی پیش که کسب و کار رونق داشت، سرمایه داران برای بردن سودهای کلان کارگران را استثمار میکردند و از ثمره کار آنها میلیونها تومان ثروت می اندوختند. کارگران انتظار داشتند که با انقلاب وضع آنها بهتر شود، اما اکنون یک میلیون کارگر بیکار وجود دارد.

چرا دولت در مورد کارگران بیکار تصمیم جدی نمی گیرد؟ دولت باید سریعاً در جهت بازگرداندن کارگران بیکار به سرکار خود اقدام کند. کارگران که ستون اصلی انقلاب بودند، امروزه بیش از همه اقشار و طبقات باید مورد توجه قرار گیرند. اما در عمل چنین نیست. بقول یکی از کارگران که در راهپیمایی کارگران بیکار شرکت داشت "کارگرانی که در حین انقلاب سینهی خود را سپر گلوله کردند باید بیکار باشند و حال آنکه کسانی که به روی مردم آتش می گشودند حقوق و مزایای و خواربار بگیرند." اخبار مندرج در این صفحه خود بیان کننده این امر است. دستبرد هستیم.

اصفهان - کارگران بیکار در اصفهان که عمدتاً در بخش ساختمانی در محل شرکت های سازنده کارخانه های بل هلیکوپتر (جی - اچ - بی - پلی - اکريل، فلور و چند شرکت دیگر کار می کرده اند، مدتی است که بیکار شده اند. طبق گزارش رسیده از اصفهان در ششم فروردین حدود ۷۰۰۰ نفر از کارگران بیکار با دادن شعارهایی مانند "حقوق کارگر پرداخت گردد"، "ما وعده نمی خواهیم، ما کار می خواهیم" طرف اداره کار راهپیمایی نمودند. آنها قبلاً طی قطعنامه ای خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کرده بودند:

- ۱- برسمیت شناختن شورای کارگران بیکار که در صدد تشکیل آن هستیم.
- ۲- عدم جلوگیری از اجتماعات کارگران بیکار از طرف هر مقام و نیروی.
- ۳- ما خواهان دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده مان بر مبنای آخرین دستمزد هستیم.
- ۴- ما خواهان دگرگونی در قوانین فعلی کار که مدافع منافع کارفرما می باشد هستیم.
- ۵- ما خواهان آن هستیم که هر قانون یا تصویب نامه ای در مورد کار و کارگری با نظر نمایندگان واقعی و منتخب کارگری (که در محیطی آزاد و بدون اعمال نظر گروهی خاص انتخاب میشوند) باشد.
- ۶- آزادی اعتراضات و قانونی بودن اعتصابات.
- ۷- اخراج کلیه سرمایه داران و - اداره کار راهپیمایی نمودند. آنها قبلاً طی قطعنامه ای خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کرده بودند:
- ۱- برسمیت شناختن شورای کارگران بیکار که در صدد تشکیل آن هستیم.
- ۲- عدم جلوگیری از اجتماعات کارگران بیکار از طرف هر مقام و نیروی.
- ۳- ما خواهان دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده مان بر مبنای آخرین دستمزد هستیم.
- ۴- ما خواهان دگرگونی در قوانین فعلی کار که مدافع منافع کارفرما می باشد هستیم.
- ۵- ما خواهان آن هستیم که هر قانون یا تصویب نامه ای در مورد کار و کارگری با نظر نمایندگان واقعی و منتخب کارگری (که در محیطی آزاد و بدون اعمال نظر گروهی خاص انتخاب میشوند) باشد.
- ۶- آزادی اعتراضات و قانونی بودن اعتصابات.
- ۷- اخراج کلیه سرمایه داران و - اداره کار راهپیمایی نمودند. آنها قبلاً طی قطعنامه ای خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کرده بودند:

اتحاد کارگران تنها عامل پیروزی

رامسر - در تاریخ ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ اسفند ماه سال ۵۷ کارگران شهرداری رامسر که تعداد آنها حدود ۸۰ تا ۷۰ نفر بود، برای گرفتن حقوق عقب افتاده و پاداش وعیدی و پول لباس خود، جلوی شهرداری رامسر دست به تحصن زدند. کارگران پس از سه روز توانستند قسمتی از حقوق خود را دریافت کنند و پرداخت بقیه به بعد از مرخصی ایام عید موکول شد. در همان روز اول کارگران شرکت تراست (شرکت آپارتمان سازی) پس از اطلاع از این تحصن، با آنکه خود در حال اعتصاب بودند، برای اعلام همستگی، به کارگران شهرداری پیوستند.

کارگران با مبارزه خود به سرکار بازگشتند

ساری - گروهی از کارگران اخراجی زاهدان - کارگران شرکت مانای زاهدان ضمن اعلام پشتیبانی خود از خواسته های برحق همه کارگران، خواسته های خود را طوسی قطعنامه ای تنظیم کردند. در این قطعنامه از جمله به مسئله پرداخت حقوق کلیه کارگران اعم از اخراجی و

به خواستهای کارگران باید پاسخ مثبت داده شود

زاهدان - کارگران شرکت مانای زاهدان ضمن اعلام پشتیبانی خود از خواسته های برحق همه کارگران، خواسته های خود را طوسی قطعنامه ای تنظیم کردند. در این قطعنامه از جمله به مسئله پرداخت حقوق کلیه کارگران اعم از اخراجی و

راهپیمایی بزرگ کارگران اخراجی و بیکار مهاباد



کارگران اخراجی و بیکار مهاباد روز پنجم فروردین ماه در یک راهپیمایی بزرگ شرکت کردند و ضمن اعلام همستگی با سایر کارگران ایران طی قطعنامه ای خواستهای خود را مطرح نمودند. بخشی از این قطعنامه چنین است:

"اینک که انقلاب ایران توسط عده ای پابان یافته تلقی میشود، ما کارگران بیکار مهاباد، عملاً تغییری در زندگی خود احساس نمی کنیم. ما هنوز هم بیکاریم و بدنبال کار میگردیم. ما کارگران بیکار مهاباد با اعلام کردن خواستهای خود از مقامات مسئول مصرانه می خواهیم، برای اینکه خون شهدای بخون خفته ما هدر نرفته باشد، به ندای حق طلبانه ما پاسخ مثبت دهند. ما از تمام نیروهای انقلابی و مبارزی که خود را طرفدار کارگران و دهقانان میدانند، می خواهیم که برای رسیدن به حقمان مارا یاری رسانند. ما ضمن اعلام همستگی با خواستهای سایر کارگران ایران خواستهای خود را به این ترتیب اعلام می داریم:

- ۱- تمام کارگران اخراجی به سرکار خود بازگردند.
- ۲- حقوق عقب افتاده کارگران بی کم و کاست پرداخت شود.
- ۳- ایجاد کارخانه و شرکت در منطقه جهت اشتغال برای بیکاران.
- ۴- ایجاد صندوق بیکاری از طرف دولت برای پرداخت حقوق کارگر در مواقع بیکاری و پرداخت وام شخصی بدون بهره به کارگران.
- ۵- تأمین مسکن برای تمام کارگران.
- ۶- لغو کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان، پیشه وران کارمندان جزء به بانکها و موسسات دولتی.
- ۷- طرح پیشنهادی دولت درباره چگونگی پرداخت وام به بیکاران وارد میکنیم، چون شرایطی مانند آرزو خانوادگی به یک نفر و مبلغ محدود و شرایط سنی تا ۶۰ سال کاملاً ضد کارگری است.

تحصن موفقیت آمیز کارگران

پالایشگاه نفت پارس تهران - در تاریخ بیست و هفتم اسفند کارگران پالایشگاه نفت پارس که نسبت به کاهش سود ویژه خود در مقایسه با سال گذشته اعتراض داشتند در محل کار خود متحصن شدند. بالاخره پس از مذاکراتی که در روز بیست و هشتم صورت گرفت رئیس کارخانه توافق کرد که سود امسال کارگران را بر مبنای سال گذشته و با حقوق امسال پرداخت نماید.

وام کارگری به مصارف غیر کارگری میرسد

خرم آباد - مبلغ ۹۰۰۰۰۰ ریال وام وزارت کار که اخیراً به کارگران خرم آباد اختصاص داده شده است به کمیته اسلامی خرم آباد فرستاده شده و به مصارف غیر کارگری رسیده است. با توجه به اینکه کمیته اسلامی خرم آباد خود را در مقابل کارگران مسئول نمی داند معلوم نیست به چه دلیل اعتبار دولت که برای کارگران در نظر گرفته شده بود، در اختیار این کمیته گذاشته شده است.

سیاست ضد کارگری بعضی از کمیته های اسلامی

در حال حاضر در اکثر کارخانه ها و موسسات تولیدی، کمیته های اسلامی برای کنترل و اداره نظم کارخانه ها تشکیل شده است. در بعضی از این کمیته های اسلامی تلاشهایی برای زیر پا گذاشتن حقوق کارگران و سرکوب روحیه حق طلبی آنان صورت میگیرد. در شرایطی که از یک سو سخنگوی دولت، کارگران فعال و مبارز را ضد انقلابی میخواند و خواهان دستگیری و مجازاتشان میشود و از سوی دیگر برخی کمیته های اسلامی شیوه های غیرمردمی گذشته را تکرار میکنند، طبیعتاً ضرر و زیان زیادی در درون کارخانه فرصت پیدا می کنند نام کمیته اسلامی را بهانه قراردادها و از هر موقیعتی استفاده کنند تا با ارباب و سرکوب کارگران حقوق آنان را پایمال کنند.

اعلامیه کمیته اسلامی شرکت پشم شیشه ایران که عیناً در زیر چاپ می شود نمونه گویایی از این تلاشهای ضد انقلابی است.

بسمه تعالی بنا به امر امام و دولت وزارت کار کلیه اختلافات کارگری بایست در وزارت کار و با حضور نماینده صلاحیتدار آن وزارت خانه انجام شود. لذا قویاً از کارگران اخراجی خواسته میشود که از مراجعه به کارخانه خودداری کنند. در صورت عدم مراعات این امر نام و آدرس هر کدام از کارگران اخلالگر که مانع انجام کار صحیح شرکت چه در داخل و چه در خارج کارخانه بشوند به کمیته امام انقلاب مورد رسیدگی قرار گیرد.

کمیته اسلامی شرکت پشم شیشه تهران ۱۳۵۷/۱۲/۲۸

بازگشت موفقیت آمیز کارگران بر سر کار

تهران - بدنبال تحصن کارگران شرکت فسان در محل دفتر شرکت واقع در آتاتورک فرانس در ششم فروردین، طی جلسه ای که روز بعد با حضور کارگران نمایندگان وزارت کار و دو تن از مدیران شرکت برگزار شد، خواستهای کارگران مورد بررسی قرار گرفت. از جمله پیروزیهایی که کارگران بدان دست یافتند:

- ۱- کارفرما موافقت نمود کارگرانی را که از اول مهرماه ۵۷ بعد از کار اخراجی یا مفاصا حساب نموده اند مجدداً با شرایط قبلی به کار بگمارد و دستمزد در آناتول فرانس در ششم فروردین، طی آنهارا به میزان دریافت های قبلی پرداخت نماید.
- ۲- فرار شد به کارگرانی که حقوق و مزایای آنها کمتر از بیست هزار ریال میباشد معادل صد درصد بده کارگرانی که بیش از بیست هزار ریال میباشد ۷۵٪ بقدا در مقابل اخذ رسید پرداخت نماید.

عناصر مرتجع به کارگران متحصن حمله ور شدند

خرم آباد - در تاریخ نهم فروردین، جمعی از کارگران و دیپلمه های بیکار در استانداری خرم آباد متحصن شدند و خواستار برآورده شدن خواستهای خود از جمله امکان اشتغال برای بیکاران، ایجاد صندوق بیکاری، لغو قانون کار سابق، قطع هر گونه پارتی بازی در محیط کار و ادارات، تعیین مکان معینی برای تجمع بیکاران، اخراج افراد خارجی و استخدام افراد ایرانی به جای آنها... در مقابل اعتراض شدید مردم دست زدند. اما تعدادی از عناصر مرتجع

چه هنرمندانی از واقعیت می‌گیرند؟

پیش از آنکه بحث خود را در مورد ادبیات کارگری ادامه دهیم لازم است به سئوالی که ممکن است تا بحال پیش آمده باشد پاسخ کوتاهی بدهیم. ما گفتیم که یکی از خصوصیات هنر این است که هدفی دارد و پیامی در آن هست. قبل از آن هم گفته بودیم که برای بوجود آوردن هر اثر هنری اجباراً باید از واقعیت الهام گرفت. این دو موضوع ممکن است با ما را دچار اشتباه کند و فکر کنیم که بنابراین آثار هنری و ادبی همه خوب هستند و بهتر یا بدتر بودن آنها فقط بستگی به درجه ذوق و استعداد هنرمند دارد.

ولی ماهیچوقت نباید فراموش کنیم که هنرمند هاهم مثل بقیه مردم به طبقات مختلف تعلق دارند و هر کدام از منافع طبقه خودشان دفاع میکنند. ما قبل از این موضوع را توضیح داده بودیم. درست است که در هنر اثر هنری، هدف و پیامی هست، اما چه هدف و پیامی و در جهت منافع کدام طبقه؟ درست است که برای بوجود آوردن هر اثر هنری اجباراً باید از واقعیت الهام گرفت، اما آیا هنرمند به واقعیتی که الهام بخش او بوده وفادار مانده؟ یا به آن پشت کرده و واقعیت را به یک چیز غیر واقعی و مسخ شده تبدیل کرده است؟ این ها هستند که روشن میکنند انواع هنر و ادبیات چه تفاوت‌هایی باهم دارند و کدام نوع آن در جهت منافع توده های مردم و زحمتکشان است.

در اینجا هم مانند شماره قبل می بینیم که همه انواع هنر و ادبیات وسیک ها و شیوه های مختلف به دو گروه عمده تقسیم میشوند:

"واقع گرا" (رئالیست) و "واقع گریز" یا ضد رئالیست. ما گفته بودیم که در این ستون (که ادبیات کارگری است و طبعاً "واقع گرا" و "رئالیست" است) کاری با گروه دوم یعنی هنر و ادبیات به دور از واقعیت و ضد رئالیست نداریم. اما لازم میدانیم پیش از پرداختن به واقع گرائی که در آینده به طور منظم درباره آن صحبت خواهیم کرد، کمی توضیح بدهیم که اصولاً فرار از واقعیت چه معنی و چه لزومی دارد؟ ما گفته بودیم که بعضی از هنرمندان از واقعیت بدشان می آید یا آنرا با منافع خودشان در تضاد می بینند و چون امکان اصلاح آن را هم ندارند به آن پشت میکنند و از آن می‌گریزند. اما این چیزی است که به نظر آدم عجیبی می آید و این سئوال مطرح میشود که چرا باید این طور باشد؟ بهتر است ببینیم آیا اصولاً واقعیت چیست و چه خصوصیاتی دارد که با منافع بعضی ها جور در نمی آید و از آن فرار میکنند.

مهمترین خصوصیت واقعیت این است که ثابت نیست و همیشه در حال حرکت و تغییر است. حتی سنگ هم تغییر میکند و به مواد مختلف معدنی تبدیل میشود. آهن هم زنگ میزند و عوض میشود. هیچ چیزی در دنیا نیست که دائماً در حال حرکت و تغییر نباشد. اما آیا همه با این حرکت و تغییر موافقت؟ اگر تغییر یک چیز به معنای بهتر شدن و تکامل پیدا کردن آن باشد، ما باید با آن موافق باشیم. مثلاً سنگ آهن به خودی خود هیچ خاصیتی ندارد اما وقتی در کوره ذوب آهن می افتد، تغییر پیدا میکند و تبدیل به چیز بهتر و مفید تری میشود. اما اگر آهن بخواید زنگ بزند ما باید با این تغییر مخالفت کنیم. به همین دلیل است که ما روی وسائل آهنی رنگ میزنیم و سعی میکنیم از زنگ زدن آنها جلوگیری کنیم.

اگر در مورد جامعه صحبت کنیم، میبینیم که طبقات مختلف جامعه در مورد تغییر جامعه، نظر واحدی ندارند. مثلاً یک کارگری چیزی و یک سرمایه دار مفت خور و پولدار را در نظر بگیرد. فقر آن اولی و ثروت این دومی، هر کدام یک واقعیت است که باید تغییر کند. یعنی در واقع آن جامعه ای که عده ای را فقیر و عده ای را ثروتمند میکند، باید تغییر کند. آن کارگری چیزی قطعاً به تغییر اعتقاد دارد و آنرا تأیید میکند و در راه آن مبارزه هم میکند تا وضع خودش را تغییر بدهد و بهتر کند. اما آیا دومی یعنی سرمایه دار هم با تغییر موافق است؟ مسلماً نیست. او برعکس حاضر است مبارزه کند تا جلوی حرکت و تغییر را بگیرد و وضع موجود را حفظ کند تا منافع خودش هم حفظ شود. پس میبینیم که واقعیت چیزهایی دارد که سبب میشود بعضی ها از آن بدشان بیاید، اگر زورشان رسید با آن مبارزه بکنند و اگر نرسید از آن فرار کنند و نادیده اش بگیرند.

البته هنرمندانی که از واقعیت فرار میکنند همه آدمهای مفت خور و پولداری نیستند بعضی از آنها آدمهای محرومی هستند که زندگی دشواری دارند و از نابسامانیها و بیعدالتیها و فساد جامعه رنج میبرند. اما آنها با باورشان نمیشود که تغییر وضع جامعه ممکن است و فکر میکنند تا باید وضع جامعه مستقر خواهد بود، و یا اینکه نمیدانند اگر وضع جامعه تغییر کند چه چیزی خواهد آمد و چون شناختی از آینده ندارند در نتیجه بازم مثل کور زدن نسبت به تغییر شرایط، خوشبین نیستند.

از کارگر به بزرگر

ترجمه از متن ترکمنی

از کارگر به بزرگر

بزرگر، بزرگر، بزرگر
به توفاتخار میکنیم
تکیه به کاروتوان توداریم
خاک سپاه به دست تست که سبز میشود
پنبه زارها مان به نیروی تست که سپید میشود
تویخند، باخنده؟ تست که غنچه ها مان میشکند
به غنچه های شکفته باخنده؟ تو میبازیم
مینازیم به دست های بریده از داس تو
به پاهای چرکین تو که زخم سنگ دارد
به صورت سوخته در آفتاب تو
به چین های صورت تو مینازیم
بزرگر، اگرچه آلونک تو از فقر سیاه است
گرچه کمربت در زیر کار سخت، چون کمان است
اما در سینه، تو قلبی سپید و مهربان است که میجوید
به قلب سپید همیشه جوشان تو مینازیم
بزرگر، تو بخاطر نمی آوری خستگی را به هنگام کار
اگر کسی بگوید: "خسته نباشی"
بازی افزاشته، خندان، پاسخ میدهی: "زنده باشی"
به لب های همیشه خندان تو مینازیم
بزرگر، تو مایه افتخار ما هستی
و رهائی تو همیشه خواسته ماست
و تنها تو در روزهای سخت
یاور و یار ما هستی
به داشتن یاوری چون تو مینازیم
(از: ترکمن اوغلی)

نشان

ستاره ای سرخ
بر پیشانی بلندش
از کردستان می آیم
از سرزمین عشارمی آیم
دیروز، دست ماو چکش
دیروز، دست من خالی
امروز ما
مشت گره کرده؟ من بردهان استبداد
از تبریزی آیم
دیروز، دست من خسته
پای من بسته
ولی امروز ما
یارای جنگیدن با دشمن است
از شمال می آیم
داس را بر زمین می گذارم
با تفنگم در صف یاران
۰ ۰ ۰

در آثار این هنرمندان معمولاً باس و بدبینی و بی اعتقادی به انسان به چشم میخورد. آنها گهی نابسامانیها و فساد جامعه و مشکلات دیگری را که در روابط میان انسانها وجود دارد، خیلی خوب توصیف میکنند اما نه علت ها را میتوانند ذکر کنند که چرا جامعه به این صورت درآمده و نه راه حلی برای اصلاح جامعه میباشند و در نتیجه وضع موجود را دائمی و همیشگی تصور میکنند و آنرا به تقدیر و سرنوشت یا به خوی و سرشت انسانها و نظایر آن نسبت میدهند. و قتیکی کسی گوشه هائی از واقعیت را نشان دهد اما نتواند خوب روابط آنرا با بقیه مسائل نشان بدهد، و مسیر حرکت آن و تغییرات لازم را روشن کند، امکان دارد حاصل کار شبیه به همان کسانی باشد که آگاهانه برای حفظ منافع خودشان، واقعیت را تحریف میکنند.

حال که دانستیم عمدتاً چه کسانی به هنر و ادبیات دور از واقعیت یا "ضد رئالیستی" روی می آورند، میتوانیم از شماره بعد بطور منظم درباره هنر و ادبیات "واقع گرا" یا "رئالیست" که ادبیات کارگری نیز در رابطه با آن قرار دارد، صحبت کنیم.

بقیه از صفحه اول

اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان

شرایط زندگی کارگران آمریکا بسیار وحشتناک بود. کارگران با مزد بخور و نمیری، بیش از ۱۴ ساعت کار میکردند و روز کار در مواردی حتی به ۱۸ ساعت هم می رسیدند. سرمایه داران با بکار بستن انواع حیل و حقه ها و با تکیه بر قوانین ضد کارگری، به دلایلی مانند دیر آمدن سرکار، حرف زدن موقع کار و یا "بدرفتاری" مرتباً کارگران را جریمه می کردند. طولانی بودن ساعات کار و شرایط سخت زندگی، جان کارگران را به لب رسانیده بود. سرمایه داران در تبلیغات خود آمریکا را بهشت تروی زمین معرفی می کردند، در حالیکه برای کارگران آمریکا جهنم روی زمین بود. در چنین اوضاع و احوالی موج اعتراضات و ناراضی های کارگری به اوج خود رسید و اعتصابات و تظاهرات کارگری تمام آمریکا را فراگرفت. در سال ۱۸۸۶ بیش از شصدهزار نفر در اعتصابات شرکت کردند. فقط در اول ماه مه چهارصد هزار نفر با شعار "هشت ساعت کار در روز" به تظاهرات پرداختند. تظاهرات کارگران در شیکاگو به وسیله پلیس به خون کشیده شد و چهار نفر از کارگران به قتل رسیدند. در چهارم ماه مه در تظاهراتی که کارگران علیه خشونت پلیس برپا کرده بودند، بمبی از طرف یکی از عوامل ارتجاع به میان تظاهر کنندگان پرتاب شد که موجب کشته شدن عده زیادی از کارگران و یک پلیس شد. بهانه مناسبی برای سرکوب جنبش کارگری به دست سرمایه داران افتاد. زندانها از کارگران پر شد و رهبران آنها را به محاکمه کشیدند. دادگاه بدون هیچ مدرکی، چهار نفر از رهبران جنبش را به اعدام محکوم کرد. پاسداری و مقاومت رهبران جنبش در دادگاه، نشان دهنده روحیه انقلابی و شکست ناپذیر آنان در دفاع از آرمان طبقه کارگر بود. یکی از محکومین وقتی به پای چوبه دار می رفت فریاد کشید: "صدای کارگر را نمیتوان خفه کرد".

بهر روزی رهبران جنبش کارگری را کشت و کشتی نتوانست جنبش کارگری را نابود سازد. اعدام این عده با اعتراض و خشم و نفرت تمام کارگران دنیا روبرو شد. سه سال بعد اولین کنفرانس بین الملل دوم به مناسبت بزرگداشت تظاهرات اول ماه مه شیکاگو تصمیم گرفت روز اول ماه مه را روز همبستگی کارگران جهان اعلام نماید. از همان ابتدا برگزاری اول ماه مه با مخالفت شدید سرمایه داران روبرو شد. ولی کارگران جهان با مبارزه خود در این روز دست از کار کشیدند و مراسم اول ماه مه را برگزار می کردند. در ایران برای اولین بار در سال ۱۲۹۹ کارگران روز اول ماه مه را جشن گرفتند. بعدها در شرایط خفقان حکومت رضا خانی، کارگران باز این جشن را مخفیانه در شهرهای تهران، تبریز، مشهد و... برگزار کردند. بعد از شهریور ۱۳۲۰ که محیط مناسب تری برای فعالیت سازمانهای کارگری به وجود آمده بود، جشن اول ماه مه همراه با تظاهرات وسیعی از طرف کارگران برگزار شد. در سال ۱۳۲۵ در تظاهرات اول ماه مه دوست و پنجاه هزار تن شرکت کردند. پس از کودتای ۲۸ مرداد کارگران رزمنده، بطور مخفیانه این روز فرخنده را جشن می گرفتند. اول ماه مه امسال برای کارگران ایران اهمیت خاصی دارد. زیرا پس از ۲۵ سال دیکتاتوری شاه برای اولین مرتبه میتوانند این روز را بطور علنی برگزار کنند.

"گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی کارگران"
"مستحکم باد اتحاد کارگران سراسر جهان"

ضمن دعوت همه رفقا به همکاری و طرح نظرات خود، از دوستانی که آثار خود را برای ما می فرستند، خواهش میکنیم:
۱- شغل خود را بنویسند.
۲- نام مستعار برای خود تعیین کنند و همراه اثر بفرستند تا در صورت امکان با همان نام چاپ شود.



چگونگی تشکیل شورای کارگران در کارخانه گلوکوزان قزوین

بقیه از صفحه اول

اولیه کارگران عقب نشینی کرد بسیاری از خواستهها موافقت گردید و قرار شد چند تای آنها نیز در جلسه هیئت مدیره مطرح شود و چون برخی از خواستهها مربوط به قوانین مملکتی می شد، مثل چهل ساعت کار در هفته، قرار شد شورا مسئله را به صورت دیگر تعقیب نماید. با اینکه قرار شده بود هیچکس غیر از اعضا شورای کارگران صحبت نکند کاسه صبر دوتن از کارگران که یکی از آنها بعد از هفت سال کار دستمزدی حدود ۲۲۵ لایه میگرفت و دیگری دستمزدی در حدود ۳۰ ریال داشت لبریز شد و شروع به بحث و جدل با کارفرما نمودند. بطوریکه هیچ تذکری آنها را خاموش ننمود.

چاره ای نبود جز اینکه این آتش فشان درونی کارگران به سرو روی کارفرما ببارد. کارفرما برآستی از فوران خشم کارگران به وحشت افتاده بود و بالاخره جلسه ناتمام ماند.

بعد از رفتن کارفرما شورا تصمیم گرفت که فقط مقدار محدودی محصول از کارخانه خارج شود تا تکلیف بقیه خواستهها نیز مشخص شود. بدینسان چنین تصمیمی بود که دوروز بعد نماینده کارگران به اتفاق سه کارگر عازم دفتر مرکزی شدند و به آسانی قرار داد سود ویژه را به دلخواه کارگران و طبق نظر آنان امضاء کردند. قرار دادیکه سالها قبل یکماه تاچهل روز برای امضاء کردنش وقت تلف می شد، به این ترتیب کارگران مبارز و آگاه کارخانه گلوکوزان در اولین هفته های تشکیل شورای خود از ثمرات برآزش آن بهره مند شدند. کارگران گلوکوزان بدستی معتقدند که باید جریان تشکیل این شورا به اطلاع کارگران کارخانه های دیگر نیز برسد. زیرا بنظر آنها حفظ این شوراها و دستاوردهای آن زمانی امکان پذیر است که در کارخانه ها، کارگاهها و موسسات دیگر نیز شوراها تشکیل شود.

رهنمودهای کارگران در مجمع عمومی بسیار ارزنده بود و آنگاه خواسته هادریه ۲۰ مورد با قید فوریت در چهارده مورد آن تصویب شد و اعلام شد که سه خواسته از اول سال باقی ماند اجرا شود و سه خواسته نیز بستگی به وضع جامعه خواهد داشت.

یکی از اصول بسیار ارزنده ای که شورا همواره درم نظر داشت این بود که اعضای شورا موظفند مرتباً کارگران را در جریان امور قرار داده و نظریات آنها را در بر خورد با کارفرما راهنمای عمل خود قرار دهند.

ضمن تشکیل شورا یک سلسله مسائل پیش آمد که برای حل آنها اقداماتی صورت گرفت. مثلاً به منظور جلوگیری از دخالتهای بی مورد افراد غیر مسئول درهای کارخانه بسته شد. همچنین انواع کالاها ساخته شده در اختیار شورا قرار گرفت و کالاها جلوی در کارخانه فروخته شد و البته تمام این عملیات در دفتر کارخانه ثبت گردید. از پولی که به این ترتیب به دست آمد حقوق عقب افتاده کارگران و حق مسکن آنان پرداخت شد و همچنین قبل از اینکه شورا تشکیل شود حق مکالمه تلفنی از کارفرما و عوامل آن در کارخانه سلب شد و به کارفرما اخطار شد که اگر بخواهند با شورای کارگران تماس بگیرند، خود شخصاً باید به شورا مراجعه کنند.

بعد از ظهر چهارشنبه دوم اسفند ماه جلسه ای در غذاخوری کارخانه همانطوریکه شورا پیشنهاد کرده بود، تشکیل شد. در این جلسه تمام کارگران ناظر گفتگوی مستقیم نمایندگان خود با کارفرما بودند. قدرت کارگران به نمایش گذاشته شد و کارفرما در مقابل خواستههای

۱۰- پرداخت حقوق کارکنان دفتر مرکزی بانظر شورای کارگران.
۱۱- حسابرسی دقیق سود ویژه سالانه کارخانه از بدو بهره برداری از طرف شورای کارگران.

۱۲- پیش بینی بودجه ای جهت تهیه وسایل بهداشتی، لباس کار، کفش، آمبولانس و استخدام پزشک و پاکسازی محیط کار.

۱۳- توزیع شیر روزانه بین کارگران.
۱۴- پرداخت سود ویژه سال ۵۷ حداکثر تا ۱۵ اسفند ماه. نحوه تعیین و تقسیم سود ویژه بانظر شورای کارگران باشد.

۱۵- پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده کلیه کارکنان بطور کامل طبق ضوابط قدیم.

۱۶- غذا برای کارگران شیفیتی یک نوبت.

۱۷- افزایش بودجه وام ضروری و پرداخت آن به کارکنان بانظر شورا.

۱۸- واگذاری سهام شرکای فراری به کارکنان.

در جلسه عمومی در طرح پیشنهادی تغییراتی داده شد. مثلاً پیشنهاد شد که وام بدون بهره تا ۱۰ برابر مبلغ قبلی بانظر شورای کارگران بین کلیه کارکنان تقسیم شود. بانسویق و تنبیه و اخراج کارکنان بانظر شورای کارگران باشد و ساعت کار به ۴۰ ساعت در هفته کاهش یابد، حق مسکن مناسب تا زمان تحویل خانه مسکونی به کلیه کارکنان پرداخت شود. مزخصی سالانه کارکنان مطابق دوایر دولتی باشد. مبلغ نوبت کاری تا ۲۰٪ افزایش یابد.

روز چهارشنبه انتخابات شروع شد. چون ۷۰٪ کارگران بی سواد بودند، قرار شد سه نفر از کارگران بی سواد انتخاب شوند و با سؤال از یک کارگر بی سواد درای آنها را روی کاغذ بنویسند. از زتون غذا بعنوان کارت رای گیری استفاده شد. رای گیری مخفی بود. بالاخره ۹ نفر که اکثریت آرا را داشتند به عنوان نمایندگان شورای کارگران اعلام شدند.

شورا کار خود را شروع کرد. حدود ۱۲۰ پیشنهاد کارگران که توسط منشی ثبت شده بود قرائت و سپس جمع بندی شد. خواسته های زیرین برای مشورت در اولین جلسه عمومی پیشنهاد گردید.
۱- تعیین و تعدیل دستمزد کلیه کارکنان بانظر شورای کارگران.

۲- تمرکز کلیه حسابهای بانکی و فروش در قزوین.

۳- تأیید کلیه اسناد شرکت توسط نماینده شورای کارگران.

۴- سهام دار شدن کارکنان در سرمایه شرکت بطور جمعی.

۵- نظارت بر مرخصی ها و امور - بیت های داخل و خارج از کشور توسط شورای کارگران.

۶- تصمیم گیری در مورد کارهای مهم از قبیل خرید و فروش و قرار دادهای پروژه بانظر شورای کارگران.

۷- دادن اختیارات به هر کدام از سرپرستان در حد مسؤولیت سرپرستی.

۸- نصب تابلوی اعلانات در کارخانه جهت آگاهی عموم از جریانهای داخل شرکت و خواسته های سایر کارگران که در روزنامه ها منعکس میشود.

۹- تخفیف یا پورسانت از فروشهای نظر شورای کارگران باشد.

به نتیجه مشخص جمع شوند. همه به غذاخوری رفتند. جلسه تشکیل شد. بسیاری از کارگران صحبت کردند. جلسه شلوغ بود و کارگران حرف یکدیگر را قطع میکردند. قرار شد یک نفر اداره جلسه را به عهده بگیرد. و یکی دیگر از کارگران نیز نظریات را بنویسد. در این روز راه حلی پیدا نشد. روز بعد جلسه با حضور کلیه کارگران از سر گرفته شد. مدیر جلسه از تمام کارگران خواست که هر کس نظری دارد، بگوید. در مورد نترسیدن از عوامل کارفرما و اداره حفاظت، اعتماد به کارگران و لزوم اتحاد و سپس مقاومت جمعی در برابر کارفرما صحبت شد. مدیر جلسه در جواب یکی از کارگران که سرپرست خود را موجب بدبختی خود میدانست گفت:

" باید بدانیم در اصل کارفرما بود که چنان وضعی را پیش آورده بود. هر جا که کارگران کار میکنند و کارفرماها سرمایه دارها شمه کار آنها را می خورند عده ای را بنام مدیر و سرپرست و فورسین استخدام میکنند تا از کارگران کار بکشند. ولی ما باید بدانیم که دشمن اصلی ما سرمایه دارها هستند، نه سرپرست ها." در پی صحبت های طولانی یکی از کارگران نتیجه گرفت " بنابراین باید اداره کارخانه را خود در دست بگیریم و برای اینکه باید عده ای از خود ما انتخاب شوند و بدین ترتیب " شورای کارگران " مطرح شد. کارگری نحوه انتخابات و خصم - صیات انتخاب شونده را به دوزبان ترکی و فارسی توضیح داد و تأکید شد که باید بدون ترس و واژه کسانی را برای شورا انتخاب کرد که واقعا مدافع منافع کارگران باشند.

موفقیت ۵ میلیون
کارگران آلمانی
در هفته اول فروردین ماه کارگران آلمان غربی به موفقیت قابل توجهی در زمینه اضافه دستمزد نائل شدند. طی مذاکراتی که بین نمایندگان سه میلیون کارگر در تمام بخشها بغیر از بخش ذوب فولاد با کارفرمایان انجام گرفت، کارگران توانستند پیشنهادات اضافه دستمزد را به کارفرمایان بقبولانند. ضمناً ۲/۲ میلیون کارگر و کارمند بیست و راه آهن، موفق به بالا بردن دستمزدشان به میزان چهار درصد و دوبرابر کردن مزایای تعطیلات گردیدند. به این ترتیب جزی اضافه دستمزد به ۴/۵ درصد میرسد. کارگران بخش تولید مواد شیمیایی در مذاکرات جداگانه ای با کارفرمایان موفق شدند اضافه دستمزدی معادل ۴/۲ درصد ک...

اخبار جهان
ناراضای عمومی کارگران فرانسه از بحران صنایع فولاد
کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه روز ۳ فروردین یکی از بزرگترین راهپیمایی های خود را در شهر پاریس برگزار کرد. هدف از این راه پیمایی، اعتراض وسیع و توده ای به اخراج دهها هزار کارگر صنایع فولاد این کشور بود. تعداد شرکت کنندگان در راهپیمایی به صد هزار تن میرسد و دهها هزار کارگر صنایع فولاد نیز از نقاط مختلف فرانسه برای شرکت در راه پیمایی به پاریس آمده بودند. از طرفی کارگران معادن آهن شمال، کارگران برق و گاز فرانسه، کارکنان بخشهای مختلف خدمات عمومی...

کارگران صنایع فلز برزیل قاطعانه به اعتصاب خود ادامه میدهند
برزیل - ساو پولو
● بدنبال یازده روز اعتصاب ۲۰۰ هزار کارگر صنایع استخراج فلز، دولت برزیل تدابیر جدیدی برای سرکوب خشم کارگران اتخاذ کرده است. در پی این اقدامات رهبران سه هندیهای عمده این کشور برکنار شده و بجای آنها سه کارمند وزارت کار، منصوب شده اند.
روز پنجشنبه ۲ فروردین گروه های ضربتی و پلیس نظامی برزیل از ساعت ۴ صبح مجهز به گاز اشک آور و سگهای تعلیم دیده در پناه زره پوشهای ارتش مراکز صنایع عمده کشور را که کارگران و رهبران سندیکادر آن جلسه داشتند، محاصره کردند. ما موران پلیس نظامی پس از دستگیری صد کارگر مبارز، رهبران سندیکا را از محل اخراج کرده و زمینه را برای استقرار ما موران وزارت کار در مرکز...

اتهام تجزیه طلبی بهانه ای برای پایمال کردن حقوق خلقهاست

خواستهای رانندگان، کارگران و رفتگران شهرداری شهرکرد

خواستهای رانندگان، کارگران و رفتگران شهرداری شهرکرد

شهرکرد - رانندگان، کارگران و رفتگران شهرداری، طی قطعنامه‌ای خواستهای برحق خود را در ۱۲ ماده مطرح کرده و از دولت خواسته‌اند هرچه زودتر به آنها رسیدگی شود. مهمترین این خواستها عبارتند از:

- ۱- تشکیل شورای کارگران، رانندگان و رفتگران و انتخاب نماینده واقعی که به امور آنان رسیدگی کند.
- ۲- افزایش حقوق مطابق با افزایش هزینه زندگی و مساوی ادارات دیگر.
- ۳- تامین بیمه های درمانی و بیمه بیکاری و بازنشستگی.
- ۴- مصادره زمین های شهرداری که در دوران طاغوتی غصب شده اند و تقسیم آنان بین کارگران، رانندگان و رفتگران.
- ۵- افزایش حق مسکن.

لغو بدهیهای روستائیان

خرم آباد - کشاورزان و اهالی روستاهای دره سالی، کرشیرخان بیک، کرشیرخان دو، کرشیرخان چهار، تراب کی میرزاوند علاوه بر ده دیگر، در قطعنامه ای ضمن تاکید بر استعمار و اجحافی که در دوران رژیم مغفور پهلوی اعمال می شد و بخصوص در رابطه با مبارزات حق طلبانه اخیر مردم که در آن خونهای فراوانی نثار شد، خواستهای خود را در ۹ مورد اعلام کردند که مهمترین آنها از این قرار است:

- ۱- رسیدگی هرچه فوری تر به وضع آب این منطقه که از هشت کیلومتری بندرترکم - روز چهارشنبه ۸ فروردین ساعت ۳ بعد از ظهر حدوده ۲ هزار نفر از مردم بندرترکم برای پشتیبانی از حقوق ملی و دمکراتیک خلق ترکمن در یک راهپیمایی شرکت کردند. تظاهر کنندگان کشتار خلق ترکمن را محکوم کرده و شعارهای زیر را میدادند:

"دیروز کردستان، امروز ترکمن صحرا، فردا نوبت کجاست؟"

همبستگی مردم رضوان شهر (طالش) با خلق های کرد و ترکمن

"پدران، مادران، به میدان بیایید" (بزبان ترکمنی)

نظاره کنندگان یکپارچه آزادی کلیه دستگیر شدگان در ترکمن صحرا را خواستار بودند. آنان خواهان آزادی فعالیت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن شدند.



صحنه ای از مبارزات مردم سنندج که سرانجام به تشکیل شورای موقت منجر شد

تقسیم عادلانه و انقلابی زمین، خواست کشاورزان است

کشاورزان قریه نظام آباد از دهات منطقه دشت سرآمل در قطعنامه ای که تنظیم کرده اند ضمن اشاره به مبارزات اخیر، جانفشانی هزاران شهید و کشته شدن دست زورگویان، خواستهای خود را که در صدر آن تقسیم عادلانه و انقلابی زمین است، مطرح کردند. دیگر سر

عرضه کرد. سرانجام پلیس اسرائیل به اوشکوک شد و او را دستگیر کرد. اسقف کاپوچی انواع اقسام شکنجه هارا متحمل شد و به ۱۱ سال زندان محکوم گردید. فشار افکار عمومی دنیا و فعالیتهای جنبه آزادیبخش فلسطین دولت اسرائیل را مجبور ساخت که اسقف کاپوچی را پس از سه سال که در زندان ماند به خارج از خاورمیانه تبعید کند. از هنگام آزادی هم، اسقف کاپوچی لحظه ای از فعالیت برای به ثمر رسانیدن انقلاب فلسطین غافل نماند. در مراسم استقبال از اسقف کاپوچی در فرودگاه مهرآباد فرستاده سازمان ما ضمن گفتن خوش آمد به این مبارز بزرگ، شهادت و پایداری او را در

زندانیهای صهیونیستی اسرائیل، واراده او را در نادیده انگاشتن مقررات تبعید امیرالیستی که بازگشتش را به خاورمیانه منع میکرد، مورد تمجید قرار داد. فرستاده سازمان همچنین گفت: "خوشحالیم که اکنون ترادرکنار خود در ایران می بینیم". اسقف کاپوچی در پاسخ سخنان فرستاده سازمان، اظهار داشت: "انقلاب خلقهای جهان از هم جدایی ناپذیر است. فلسطین، ایران و هرکشور دیگر در این منطقه از جهان بھر کجای دیگر که مبارزه هست و آزادی تحقق مییابد، میهن من است. انقلاب شما انقلاب ماست، انقلاب ما، انقلاب شما است."

جمع آوری کتاب در ابهر

بعد از ظهر سه شنبه ۵۸/۱/۷ در شهرستان ابهر، ۵ هزار جلد کتاب کودکان، از طرف کمیته انقلاب اسلامی این شهر جمع آوری و ضبط شد. بسیاری از این کتابها را، نوشته های صمدبهرنگی و علی اشرف درویشیان تشکیل می داد. توجیه کمیته ابهر این بود که در زمان فراندم، این کتابها میتوانند در جهت ضدانقلاب مورد استفاده قرار گیرند و ذهن مردم را مسموم کنند. این کمیته تحویل کتابها را موکول به بعد از فراندم و منوط به پذیرش کمیته اسلامی تهران کرد.

تشکیل سندیکای رانندگان تاکسی در خرمشهر

در هفته گذشته سندیکای رانندگان تاکسی با شرکت ۲۰۰۰ راننده تشکیل شد و نمایندگان سندیکا انتخاب شدند. در این جلسه درباره چگونگی تشکیل سندیکا و هدفهای آن بحث شد.

اخباری از آبادان

روز دهم فروردین دسته ای به یک مسجد واقع در احمدآباد لاینه ارفته قصد جلوگیری از شرکت مردم در راهپیمایی را داشته اند. پاسداران که در آنجا بودند شروع به تیراندازی کردند. افراد مذکور متفرق شدند و کسی آسیب ندید.

عده ای مسلح به کلانتری ۲ واقع در "بریم" حمله کردند و قصد آتش زدن به صندوقهای رای را داشتند. درگیری تا ساعت ۱۲/۵ بعد از نیمه شب ادامه یافت و بالاخره اخلالگران دستگیر شدند.

مهاجمین، گروهی با عنوان دارو دسته ظاهر بودند که قبل از در خدمت رژیم سابق بوده اند.

اخلالگران، بمنظور ایجاد بی نظمی و ارباب، اتومبیلی پر از مواد آتش زا و مواد منفجره را در مقابل کتابفروشی سحر قرار داده ایجاد آتش سوزی میکنند. عده ای که صحیح بود برای رفتن به سرکار از آنجا میگذرند، با دیدن آتش سوزی مردم را باخبر کرده، حریق را خاموش میکنند.

حقوق کارگران باید پرداخت شود. خرمشهر - در تاریخ هشتم فروردین ماه کارگران شرکت "استیو دورینگ" در خرمشهر به علت پرداخت نشدن حقوق اسفند ماه و وعیدی خود دست از کار کشیدند و به راهپیمایی پرداختند. کارگران در مقابل اداره بندر اجتماع کردند و پس از مذاکره با رئیس بندر قرار شد به سرکار باز گردند و حقوق آنها تا چهارشنبه هفته دیگر پرداخت شود.

ما ورود اسقف کاپوچی، رزمنده دلیر انقلاب فلسطین را به میهن خود خوش آمد میگوئیم. موفقیتهای این مبارز صدیق را در پاسخ به آرزوهای مقدس بشری آرزو مندیم.

راهپیمایی بیست هزار نفری در دفاع از خلق ترکمن

آنان، اعلام داشتند و ضمن محکوم کردن کشتار بی رحمانه رزمندگان کرد و ترکمن توسط هائی راکه بمنظور ایجاد یک جنگ ناخواسته انجام گرفته است افشاء کردند.

تظاهرات مردم شهر و حومه کرد

مردم کرد غرب روز هشتم فروردین پس از اشاره به ستم ملی و طبقاتی که سالیان دراز به خلق کرد اعمال میشده و مبارزه دلیرانه ای که خلق کرد دوشادوش تمام خلقهای ایران در جنبش رهایی بخش داشته اند، طی قطعنامه ای اعلام داشتند:

"ما مردم تحت ستم کرد غرب و حومه، گوران، غلخانی، بیونج، گواره، چنچاب، بان زرده، حریرو سایر روستاهای تابع کرد، خود را جز لاینفک خلق کرد دانسته و از حقوق

اعتراض عده ای از دهقانان قزوین

سازمان عمران قزوین ۵۷/۱۲/۲۲ از تاریخ ۵۸/۱/۱۵ حقوقشان پرداخت شود و علت عقب افتادن پرداخت را نداشتن پول عنوان کرد. در حالیکه با همین وضع حقوق کارمندان پرداخت شده است. باغداران از این موضوع مطلع بودند و اعتراض کردند. حقوق این باغداران بعد از ۱۵ سال سابقه کار ۱۲۰۰ تومان است. باغداران چهار نفر نماینده انتخاب کرده اند که به تهران اعزام نمایند.

اسقف کاپوچی:

"هر جای جهان که در آن مبارزه آزادیبخش ادامه دارد آنجا وطن من است"

عصر یکشنبه ۱۲ فروردین اسقف هیلارین کاپوچی مبارز دلیر و ثابت قدمی که زندگی خود را وقف انقلاب فلسطین کرده است به میهن ما آمد. اسقف کاپوچی عضو افتخاری سازمان فرودگاه مهرآباد به فرستاده سازمان ما گفت:

"هر جای جهان که در آن مبارزه آزادیبخش ادامه دارد، آنجا وطن من است". اسقف کاپوچی هنگامیکه اسقف

کلیسای مسیحی بیت المقدس بود به حقانیت نبرد قهرمانانه خلق فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم بی بردو مصمم شد که همه امکانات خویش را در خدمت انقلاب فلسطین به کار برد. او از مصونیت اسقف بودن استفاده کرد و با مسافرتهای پیاپی به داخل و خارج بیت المقدس کمکهای پرارزشی به انقلابیون فلسطینی که در داخل خاک فلسطین اشغال شده در شرایط بسیار دشواری به نبرد مسلحانه مشغول بودند،

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود



درباره حوادث گنبد، فدائیان موظفند سخن بگویند

بقیه از صفحه اول

همه باید بدانند زمین داران بزرگ گنبد که ادامه استعمار و حشانه خلق زحمتکش ترکمن برایشان ناممکن شده بود به چه حیلها و به چه کسانی متوسل شده اند که با خلق ترکمن را سرکوب و زمینها - پشان را پس بگیرند با برانگیختن احساسات پاک مذهبی نوجوانان انقلاب مردم راه جنگ و برادر کشی بکشاند. راستی چه کسی آتش جنگ را برافروخت؟ برای شناخت ریشه های مسئله گنبد باید اندکی به عقب بازگشت.

میدانیم زمین های ترکمن ها پس از قاجاریه کلاً توسط شخصی رضاخان غصب شد. طی حکومت جابرانه پهلوی به تدریج وابستگی به دربار و ایادی مزدور او به ویژه سران ارتش تمام منابع طبیعی، مراعات و کشتزارهای ترکمن هارا غصب کردند. خلق ترکمن نه تنها از ثروت های طبیعی خود محروم شد، بلکه بیش از نیم قرن آنها را از حقوق مسلم تعیین سرنوشت و شرکت در امور مربوط به خود و از فرهنگ خود و اساساً از هستی خود محروم ساختند. دهقانان ستمکش ترکمن با انتظار بسیار پس از سرنگونی رژیم سلطنتی به زمینهای آبا و اجدادی خویش بازگشتند. آنها در هر روستا شورائی تشکیل داده و املاک زمینداران بزرگ را مشترکاً مصادره کردند. از سوی دیگر روشنفکران ترکمن نیز رسالت شکستن سد اختناق فرهنگی را بردوش گرفتند. آنان کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را بنا نهادند. چیزی که در این میان چون خار در چشم مرتجعان و زمین خواران حریص نشسته بود، اعتماد و صمیمیتی بود که بین کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و روستائیان فقیر وجود داشت. زمین داران، این کینه جوترین دشمنان خلق، به دسیسه چینی پرداختند. آنان با عواملی که در فرمانداری و کمیته امام در گنبد داشتند تبلیغات شدید ضد مردمی و ضد فدائیان را آغاز کرده و عده ای از نوجوانان و جوانان ساده لوح و پسر شور را که از پیروزی انقلاب بی خبر و جدا آمده بودند از شهرهای آمل، بابل، ساری، گرگان، بجنورد، قوچان، مشهد و تهران تحت عنوان جنگ علیه "کفار" برای کشتار خلق ترکمن به گنبد فرستادند.

از روزهای دوم و سوم فروردین به بعد به تدریج چندین نفر از نوجوانان از شهرهای اطراف، مشهد و تهران به گنبد می روند. روز پنجم فروردین ماه در مجموع حدود ۲۰ تا ۸۰ پاسدار مسلح انقلاب در گنبد جمع می شوند.

روز یکشنبه پنجم فروردین ماه یک سیگار فروش ترکمن را پاسداران انقلاب به اتهام گرانفروشی بازداشت می کنند. چند نفر از ترکمن ها وساطت و اعتراض می کنند. جنجال می شود، سیگار فروش قصد فرار می کند. جوان ۲۲ ساله ای بنام آراز دردی پور کشته و یک نفر زخمی می شود. مردم شهر با شنیدن این موضوع به خشم می آیند. جلوی کانون فرهنگی و شهربانی اجتماع می کنند و به کشتن جوان اعتراض می کنند. جسد رامی خواهند، از تحویل آن امتناع می شود. بالاخره صبح ششم فروردین جسد را تحویل می گیرند و تشییع می کنند. هفت الی هشت هزار نفر در مراسم شرکت می کنند. تظاهرات و تشییع جنازه به عنوان اعتراض به عمل قاتلین باسکوت و بدون دادن شعار برگزار میشود. جسد جوان که اهل بندر ترکمن بود به آنجا منتقل می شود.

از چند روز پیش برای اعلام نظر پیرامون رفتارم و اعتراض به کشتار سنج از طرف کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن یک اجتماع در ساعت ۲ بعد از ظهر روز دوشنبه ۶ فروردین در میدان باغ ملی گنبد اعلام شده بود. حادثه کشته شدن یک ترکمن در روز قبل موضوع اعتراض به قتل و مجازات مسببین جنایات را هم به مسائل فوق اضافه می کند.

در این جا لازم به تذکر است که از حدود ۲ هفته قبل از این تاریخ بنابه دعوت کانون سیاسی - فرهنگی یکی از اعضا سازمان برای همکاری با کانون به گنبد اعزام شده بود. این رفیق فدائی مسلح به سلاح کمری، مسلسل و نارنجک و سیانور بود. تجهیزاتی که از چند سال پیش برای مبارزه با رژیم دیکتاتوری سابق تاکنون یک لحظه هم آنها را از خود دور نکرده بود. فعالیت رفیق در کانون کاملاً علنی و آشکار بود. رفیق در ارتباط نزدیک با آقای نوروزی مسئول کمیته امام شهر گنبد قرار می گیرد و سعی می کند مسائل مشترک را با تفاهم حل نماید. ساعت هشت روز یکشنبه از کانون گنبد به ستاد تهران تلفنی موضوع کشته شدن یک نفر ترکمن بدست پاسدار انقلاب و حالت تشنج شهر گزارش می شود. ضمناً اضافه می شود که رفیق عباس هاشمی (فدائی خلق) با آقای نوروزی تماس تلفنی داشته و ضمن شرح وقایع

گفته است که کانون هیچ گارد مسلح در شهر ندارد. و مسئولیت حفظ شهر برعهده کمیته امام است. آقای نوروزی جواب نمی دهد و فقط گوتی رامی گذارد. از ساعت ۲ بعد از ظهر ششم فروردین که جمعیت برای میتینگ در میدان اجتماع می کنند، از اطراف شهر صدای تیراندازی برمی خیزد و به تدریج نزدیک می شود. سخنرانان جمعیت را که حدود ۱۵-۲۰ هزار نفر بودند دائماً دعوت به آرامش می کنند. میتینگ تا ساعت ۲/۵ بعد از ظهر همچنان ادامه می یابد. در این ساعت صدای شلیک گلوله از نزدیک به گوش میرسد، بطوریکه مانع ادامه سخنرانیها می شود.

شلیک تا این لحظه هوائی است، اما جهت تحریک تظاهر کنندگان به موتور سیکلت های پارک شده در کنار خیابان تیراندازی می شود. مهاجمان اکثراً ماسک برچهره و بازوبند پاسداران انقلاب بر سر بازو داشتند. برخی لباس نظامی و بعضی لباس شخصی به تن داشتند. ناگهان به سوی جمعیت شلیک می شود. جمعیت که تا این لحظه دائماً به آرامش دعوت می شد هراسان شده و چنانچه دقیقه بعد متفرق میشود. ترکمن ها بشدت خشمگین میگرددند. کشته شدن نوجوانی در روز قبل و حمله ناجوانمردانه نقابداران مسلح و کشته و مجروح شدن بیش از ۲۰ نفر از تظاهر کنندگان، کنترل امور را از هم می گسستند. مهاجمان به کانون فرهنگی - سیاسی که در جوار محل میتینگ قرار داشت یورش می برند و کتابخانه آنرا به آتش می کشند. سپس به محل کانون شوراهای خلق ترکمن حمله می کنند. کانون زیر شلیک سنگین مسلسل و گاز اشک آور قرار می گیرد. رفیق ما عباس هاشمی تا این لحظه که ساعت ۵/۵ بعد از ظهر است در کانون مانده است. او بنابه دستور مرکز تری سازمان که قبلاً در مطبوعات هم اعلام شده بود، به شلیک پاسخ نمی دهد و حاضران در ستاد را به آرامش دعوت می کند. همه را جمع کرده به اطاق عقبی ساختمان هدایت می کند که در مسیر شلیکهای بی امان نباشند. عباس دائماً توصیه می کند خونسردی خود را حفظ کنند. با تهران تماس می گیرد و می گوید به ما حمله شده و زیر شلیک سنگین قرار داریم چه کنیم؟ گاز اشک آور پرتاب کرده اند... سوختم... تلفن قطع میشود. طبق گزارشهایی که بعداً به ما رسید عباس و حدود ۱۵ نفر دیگر که در ستاد بودند توسط پاسدارانیکه بداخل آمده بودند خلع سلاح و بازداشت می شوند و این در شرایطی بوده است که هنوز ارجانب ترکمن ها هیچ مقابله ای آغاز نشده است. بازداشت عباس ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر روز دو شنبه ششم فروردین ۵۸ صورت گرفت. و صرفاً برای این خاطر بوده است که شخص مسئول و متعددی را که می توانست در کنترل وقایع نقش موثری ایفا کند از دور خارج کرده جنگی کور و خونین را به خلق ستمکش تحمیل کنند. کشتار مداوم و وحشیانه ترکمن ها آنچنان خشمی به پا کرده بود که هر ترکمن در جستجوی سلاح، خود راه آب و آتش می زد تا از خود در مقابل مهاجمان دفاع کند.

از صبح روز سه شنبه هفت فروردین تعرض ترکمن های خشمگین شروع می شود و تا شب هنگام حدود دوسوم شهر به تصرف آنها درمی آید و این در شرایطی بود که عباس هاشمی که می توانست در کنترل وضع نقش موثری ایفا کند و جلوی خونریزی را بگیرد بازداشت شده بود. در این روز پاسداران انقلاب با بی تجربگی تاسف انگیزی علیرغم توصیه های مکرر افراد بر تجربه نظامی و غیر نظامی که در محل بودند به تحریک "عمادی" (که بعداً باید راجع به نقش او در وقایع پیش از این تحقیق شود)، الله اکبر گویان به میان خیابان آمده و به سوی منطقه ترکمن نشین یورش می برند. متأسفانه در این روز چندین نفر از این جوانان پرشور به شهادت می رسند. این جوانان با تصور اینکه فرماندهان در امری که به آنها توصیه می کند "بدینگونه نباید جلو گلوله رفت" ضد انقلابی است او را بازداشت می کنند و در پاسدگان جزو اسرا به حبس میکشند. توطئه کاملاً به موفقیت رسیده بود. از شهرهای مازندران، خراسان و تهران جوانان نادانسته به کشتار مردمی که برای دفاع از خود و احقاق حقوق خود به پا خاسته بودند، فرستاده می شوند. فراخواندن حدود یکصد تن جوان پرشور و برافروخته و بی تجربه به نام پاسدار مسلح از اهالی آمل، بابل، ساری، تهران، بجنورد، مشهد و دیگر جاها به گنبد که طی دوروز قبل از حمله صورت گرفت، برای چه بود؟ آیا اگر مسائلی بین کمیته امام و دولت از یکسو و ترکمن ها و کانون فرهنگی و شوراهای آزادی دیگر وجود داشت، امکان نداشت از طریق دیگری جز به خون کشیدن توطئه گرانه میتینگ حل و فصل شود، کدام مذاکره بین ترکمن ها و کمیته امام یادولت در مورد مسائل مورد اختلاف صورت گرفته بود که به نتیجه نرسیده و تنها راه کشتار

مردم در میتینگ تشخیص داده شده بود؟ دست چه کسی در میان بود؟ است که وقایع را بدینگونه پیش برده؟ چرا می باید ابتدا چند نفر از ترکمن ها بدست پاسداران و چند پاسدار به دست ترکمن ها کشته شود و بعد مذاکرات برای حل مسائل آغاز شود؟ سؤال این است که آیا اگر چند پاسدار مسلح نوجوان و چند ترکمن در این میان قربانی توطئه های شوم مرتجعان شوند مسائل حل میشوند؟ سرمایه داران و زمینداران که منافع خود را در خطر می دیدند آیا اکنون با ایجاد این خونریزی ها خوشحال نیستند؟ نمیتوان انتظار داشت که زمینداران و غارتگران و عوامل آنها از مصادره زمین هایشان توسط دهقانان خشنود باشند ولی قطعاً آنها از سلاح کشیدن یکطرف شهر به روی طرف دیگر خشنودند.

مادراینجا می برسیم، اگر دولت یا نمایندگان رسمی و شناخته شده کمیته به فعالیتهایی که در ترکمن صحرا صورت می گرفت معترض بودند، پس چرا قبل از حمله مسلحانه به میتینگ و سخنرانی کانون ترکمن نکوشیدند قدمی در راه حل مسائل بردارند؟ چرا به جای حل مسائل اجازه داده شد به تبلیغات سو و بیخس اخبار جعلی و تحریک شده و دامین زدن به جنگ بین مردم بردارند؟ مگر راه مذاکره بسته شده بود؟ مگر تمام امیدها از حل مسالمت آمیز مسئله قطع شده بود که پاسداران انقلاب دستور حمله و کشتار داده شد؟ هم مبهتان مبارز خوب می دانند که چگونه کشته شدن چند ترکمن به دست پاسداران و کشته شدن چند پاسدار به دست ترکمن ها می تواند چنان آتش کینه و نفرتی را برانگیزد که آنچه که با صحبت قابل حل بود با گلوله هم دیگر قابل حل نباشد؟ به خون کشیدن شهر گنبد توطئه ای بود. است که از جانب کتیف ترین توطئه گران ضد انقلاب و عوامل امپریالیزم تدارک دیده شده بود.

ما اعلام می کنیم، به هیچ وجه در جنگهای شهر گنبد مداخله ای نداشته ایم. تاکید می کنیم که همان روز اول درگیری هانمانند است. سازمان در گنبد طبق دستورالعمل اکید سازمانی از شلیک خودداری کرده و متأسفانه بعثت تحریکات مرتجعان بازداشت شده است. مرتجعان می خواهند طوری وانمود کنند که گویا مادر گنبد فعالیت داشته ایم حال آنکه ما افتخار می کنیم گنبد نه تنها در گنبد بلکه در بسیاری از شهرهای ایران دوشادوش پیشروترین نیروها، دوشادوش آنان که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند، در کنار مردم و همراه مردم برای نابودی تمام مظاهر ستم طبقاتی و ملی مبارزه می کنیم و خواهیم کرد و این مبارزه حق طلبانه را وظیفه همه انقلابیون راستین خلق می شناسیم.

آقای قطب زاده
هدف از پخش اخبار جعلی

باشد ولی رادیو تلویزیون با وجود درخواستهای مکرر ما به هیچ وجه به این مسئله توجه نکرد. اما همانگونه که همه هم مبهتان میدانند رادیو تلویزیون اقدام به پخش اخبار و بیانیتهای تحریک آمیز و دروغین و گمراه کننده گروههای سیاسی بی هویتی که موجودیت آنها قابل شک است نمود. در طول روزهای گذشته پخش اخبار جعلی و تحریف شده و نفاق افکنانه و تبلیغات مغرضانه بر علیه فدائیان پیوسته ادامه یافت و دست آخر در سرویسهای خبری روز دوشنبه ۱۳ فروردین اعلامیه تحریک آمیزی از جانب جمعیت جوانان مسلمان شاخه نظامی کنبدر تلویزیون چندین بار پخش شد.

سؤال ما و بسیاری از مردم این است که هدف آقای قطب زاده از پخش اخبار تحریف شده و جعلی و تحریک آمیز از رادیو تلویزیون چه بوده است؟ راستی قطب زاده ها با سانسور اخبار واقعی و پخش اخبار جعلی چه هدفی را دنبال می کنند؟

هموطنان مبارز
پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را بآدرس
زیر ارسال نمائید:
تهران - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
تلفن: ۶۵۹۹۹۹
- برای حمایت مادی خود از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
تهران - بانک ملی ایران شعبه دانشگاه حساب جاری شماره ۳۲۰۹۸

نگ بر توطئه گران و نفاق افکنان

سند دیگری از اختناق و ...

اخیراً چند تن از روسای آموزش و پرورش طی بخشنامه هائی از مدیران و مسئولان مدارس خواسته اند تا مانع گفتگوها و بحث های سیاسی واجتماعات دانش آموزان شوند . در اینجا یک نمونه از این گونه دستورالعمل ها را که از طرف "منصور منطقی" رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۵ صادر شده است ملاحظه می کنید . از آنجا که چند نمونه مشابه دیگر نیز در دست است ، نمیتوان گفت که صدور این دستورالعمل های ضد دمکراتیک کار فردی و خود سرانه است . به ویژه آنکه تعداد زیادی از معلمان و دانش آموزان به سبب داشتن عقاید و اندیشه های مترقی و تبلیغ آنها ، بازداشت و با مورد بازخواست قرار گرفته اند .

منطقی نویسنده
مدرس راهنمایان تحصیلی دبیرستان

بازگاز اطلاع رسیده بحیثی از اشخاص معنای مختلف بدین مرامجه و درخواست نشان دادن نهم با هر چه بنام نگاه مگر یا سخنرانی و غیره میباشد و همچنین در بعضی از مدارس توسط بعضی از آموزگاران یا دبیران به نهاد تشکیل کمنه یا شورا و تشییر رهبر و معاون و مشورین بنی از ارشاد مطرح میشود و به غرض برخی از مدارس بعضی از معلمین که تعداد آنها بسیار کم و با دربارت به علت نگرانی های در آن بوسیله جای تدریس مواد مربوطه و کوشش در پیشبرد دروس عقب مانده دانش آموزان که ولایفه در معلم شریف برای همکاری با انقلاب مقدر اسلامی ایران است به تبلیغات سوئی که جز برایشان ساخته ذهن پاک نیاکان و جوانان نهمه دیگر تا اقدام نمینایند طبعاً بدینوسیله با دستنما مرسند اولاً از رود به نوع اشخاص بدین مرامجه رسنی از طرف این اداره جد اولاً جلگیری فرمایند ثانیاً تشکیل جنوع جلسات خان از مقررات این نامه بنمود خود داری فرمایند مگر دستور فاسد از طرف کمنه تشییر انقلاب اسلامی با پیشنهاد کس بدین مرامجه استیشنهای مترقی تشییر مصلحتی مصلحتی در سطح کشور از امری مراجع نه صلاح مامور گردد فرمایند فوراً به اطلاع این اداره برسد تا ثانیاً با هر چه دقیقاً جماعت فرموده بنام بنام مصلحتی در آن مدرسه بر مکتوبات و تشایر مرامجه و برخلاف هدف مقدس نهفت اسلامی نسبت به آلوده کردن ذهن و افکار دانش آموزان اقدام نماید فوراً با این اداره معرفی فرمایند .

ضمناً بر نامه صحبکا (تلاوت چند آیه قرآن مجید با ترجمه روان) توسلاً نمود دانش آموزان همه روزه باید برگزار شود . این بخشنامه نمین اند ۱۳۵۸ باید با اطلاع فرد جنگاران آن آموزشگاه برسد

رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۵ تهران - منصور منطقی



منصور منطقی ، صادرکننده این دستورالعمل که اینک ماسک انقلابی به چهره زده ، در انتخابات رستاخیزی کاندیدا بود و بقایای اعلامیه های تبلیغاتی او هنوز هم بر درود یوار شهر موجود است . معلمان پیشگام در اطلاعیه ای ، شیدا به این نوع دستورالعمل های ضد دمکراتیک اعتراض کرده و خواهان پاسخگویی صریح وزیر آموزش و پرورش و مقامات دولتی شده اند . در قسمتی از این اطلاعیه چنین آمده است :

... چرا مفهوم تبلیغات سو را بطور صریح بیان نمی کنید ؟ این عبارت ها و شعارهای کلی راز و نیم گذشته هم بیان می کرد . آیا برخورد با مسائل اجتماعی باید به همان شیوه باشد ؟ " معلمان پیشگام اضافه می کنند : " ... از کدام قانون و آئین نامه صحبت می کنید ؟ از قوانین و آئین نامه های رژیم سابق که اجازه بحث و گفتگو و برخورد اندیشه های آزاد به دانش آموز و معلم نمی داد ؟ باز قوانین و آئین نامه های دوران انقلاب ؟ قوانین دوران انقلاب که با پیوند بهانگر آزادی و دمکراسی باشد نه اینکه هرگونه آزادی بیان و اندیشه را نابود کند و اختناق و ترس و سانسور را دوباره برقرار سازد . آیا قوانین انقلاب ، حقی داشتن جلسات سخنرانی و نمایش فیلم و تئاتر در مدارس را از دانش آموزان سلب می کند ؟ برآستی چه کسی میتواند این حق را که آنها با نثار خون خود بدست آورده اند پس بگیرند ؟

دیروز عمله، امروز مستضعف، فردا بدهکار

در اجتماع کارگران بیکار در خانه کارگر یکی از نمایندگان کارگران که گزارش مذاکرات خود را در مورد میزان وام دریافتی کارگران بیکار از وزارت کار تشریح می کرد ، گفت : " در طرحی که از طرف وزارت کار برای این منظور تدوین شده ، همه جواز کارگران وام گیرنده بعنوان بدهکار نام برده شده است . ترس من از این است که این نام (بدهکار) در آینده بر روی ما بنماید وی سپس با کتابه گفت : " تا دیروز به ما عمله می گفتند ، امروز مستضعف می گویند و هیچ بعید نیست که فردا ما را (بدهکار) بنامند . خدا آخر عاقبت ما را به خیر کند . "

تبلیغات مغرضانه علیه نیروهای مترقی و مبارز

این روزها در تهران و شهرستانها اعلامیه هائی تحریک آمیز و مشکوک منتشر میشود که نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی را آماج حمله های خود قرار میدهند . دستهای ناپاک و مشکوکی که این اعلامیه ها را می نویسند قصدشان پاشیدن تخم نفاق و دشمنی بین اقشار و طبقات مبارز میهن ماست . اینها قصد دارند از ناآگاهی یا اعتقادات مذهبی هموطنان ماسوا استفاده کرده و محیطی تحریک آمیز علیه عناصر و جریانات مترقی و ضد امپریالیست به وجود آورند ، میکوشند مانع بوجود آمدن محیط تفاهم و دمکراتیکی شوند که مردم ایران بخاطر آن قیام کردند و هزاران شهید دادند . کار این عناصر مفرض به انتشار این فحش نامه ها خاتمه نمی یابد . عملیات ضد دمکراتیکی نظیر پاره کردن اعلامیه ها و حمله به نمایشگاههای عکس شهدای انقلابی ، آتش زدن کتابفروشیها و دستگیری پخش کنندگان اعلامیه های سازمانهای مترقی و حتی شلاق زدن توزیع کنندگان آنها توسط عناصر مشکوکی که در بعضی کمیته های امام رخنه کرده اند ، انجام میگیرد . همه اینها به وضوح پرده آزروری نقشه های شوم و ضد انقلابی عوامل ارتجاع که در خدمت مستقیم یا غیر مستقیم امپریالیسم عمل میکنند ، بر مهادازد . ایجاد زنب و وحشت در بین مردم و سلب آزادیهای مردم در برابر عقاید سیاسی ، اجتماعی و فلسفی خود ، به نفع چه کسی است ؟ آیا اینها زمینه بوجود آوردن محیط ترور و سرکوب خلق یعنی بازگشت به دوره سابق و تحکیم مجدد سلطه کامل امپریالیستها نیست ؟ آیا برآستی این سؤال مطرح

نمیشود : حال که امپریالیسم نتوانست بوسیله رژیم شاه خائن سلطه خود را ادامه دهد با ایجاد نفاق و دشمنی و در گیری مردم با یکدیگر نقشه های پلیس خود را اعمال سازد ؟ یعنی بازگشت به سیاست قدیمی امپریالیسم : " تفرقه بینداز و حکومت کن " . تاریخ کشور ما و سایر ملتها نشان داده است که ایجاد چنین شرایط تحریک آمیز ، مقدمه ای برای بوجود آوردن دستجات فاشیستی و تروریستی توسط امپریالیسم و ضد انقلاب بوده است . ابتدا نیروهای چپ را در اذهان عمومی مردم ضد دین ، مخالف اخلاق عفت و حیاء ، طرفدار دیکتاتوری ، بی رحم ضد خلق ، اجنبی پرست و ... نشان می دهند و سپس عوامل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم از جو تحریک آمیزی که در بین مردم ناآگاه و متعصب مذهبی بوجود آورده اند توده ناآگاه را آلت دست خود ساخته و برای ایجاد دستجات فاشیستی و تروریستی سرباز گیری میکنند ، همه میدانیم که دستجات فالانژیستهای لبنانی ، فاشیستهای ترکیه و آرژانتین که به سبک فاشیستهای آلمانی و صهیونیستهای اسرائیلی عمل میکنند چگونه بدست امپریالیستها به وجود آمدند .

قصد ما از نوشتن این مطالب دادن هشدار به تمام نیروهای انقلابی است . ما معتقدیم در این باره همه نیروهای مترقی ، اعم از مذهبی و غیر مذهبی ، مسئولیت خطیری به عهده دارند . برروحانیت مترقی است که در این باره مردم را ارشاد کرده و نقشه های شوم ارتجاع را برای مردم ناآگاه که ندانسته به دام عناصر مشکوک

می افتند فاش نمایند . ضمناً دولت نیز موظف است به مسئولیتهای خویش در حفظ دستاوردهای انقلاب و تضمین آزادیهای دمکراتیک برای همه مردم توجه کافی مبذول دارند . همچنین برعهده نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی است که با متانت و بردباری با این مسائل برخورد کرده و با کار توضیحی وسیع ، کتاب و شفاها ، سعی نمایند نقش مناسبت مشکوک و ارتجاعی را افشاء کرده و توده های ناآگاه را از عواقب وخیم این اعمال مطلع سازند .

در خاتمه باید بگوئیم که ما به هیچ وجه مخالف مبارزه سیاسی - ایدئولوژیکی نیروهای مخالف نیستیم برعکس معتقدیم که " در یک محیط دمکراتیک ، و در برخورد بمقاید و آرا سازنده است که سطح آگاهی توده های بالا میرود . " در همین رابطه است که ما صراحتاً اعلام میکنیم از هر کوششی که در این زمینه صورت گیرد ، استقبال میکنیم . ما به ندرت مطالبی که به شیوهای درست ، بحث و مبارزه سیاسی - ایدئولوژیکی را دامن زند . و همچنین ترتیب دادن جلسات بحث و مناظره در مورد همه مسائل مملکت در مطبوعات ، رادیو تلویزیون ، دانشگاه ها ، مدارس و مساجد اقدامات مثبتی در آگاهی افکار عمومی میدانیم . هیچکس منکر این واقعیت نمیتواند باشد که این نوع حرکات به بالا بردن آگاهی هموطنان کمک میکند و در حالیکه انتشار ورق پاره های مشکوک و مبتذل و سرا پا فحش ، ایجاد محیط تحریک آمیز پاره کردن اعلامیه ها و حمله به نمایشگاههای عکس جز ایجاد نفاق و دشمنی بین توده و درگیری بین مردم که به نفع امپریالیسم و ضد انقلاب است ، شری ندارد .

آقای امیر انتظام

تجدید سازمان ساواک، خیانت به انقلاب است

سخنگوی دولت روز پنجشنبه گذشته در مورد بازسازی مجدد ساواک گفت : " سازمان امنیت برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی فعالیت خواهد کرد " . او همچنین اظهار داشت " یک گروه سه نفره برای تسویه به سازمان امنیت اعزام شده اند " .

کجهان شنبه ۱۶ فروردین ۵۷ بازگذاشتن دست سازمان امنیت برای خیانت ، تقویت ضد انقلاب است . در حالیکه هنوز عده ای از مامورین ساواک بخاطر جنایاتی که مرتکب شده اند در تعقیب و بازداشت بسر می برند ، بازسازی ساواک چه مفهومی می تواند داشته باشد ؟ مگر غیر از این است که ساواک با کارنامه سیاه چند دهه اش ، کانون بهشمرانه ترین و تنگن ترین توطئه ها و جنایات ها بر علیه خلق ایران بسوده است ؟ عناصر این سازمان پس از انحلال ساواک به هیچ وجه دست از خیانت و

جنایت و توطئه های ضد مردمیشان برنداشتند و نمی توانند بردارند . این مزدوران تاخر استخوان فاسد ، برای توطئه چینی و جاسوسی به نفع اربابان در مراکز حساس و کمیته های امام نفوذ کردند . این افراد در طی دو ماه اخیر بصورت های گوناگون برای متشکل کردن بازمانده های ساواک - اقدامات ضد انقلابی سازمان یافته فعالیت مستمر داشتند . از سخنگوی دولت می پرسیم به جای شناسائی دقیق این عناصر و تحت نظر گرفتن فعالیتهای ضد انقلابی آنها و سلب امکان توطئه چینی از آنها مامور کردن این کثیف ترین جاسوسان سرسپرده امریکا برای کنترل هم مسلکانش چه مفهومی دارد ؟ آیا غیر از این است که اینگونه اقدامات به منحرف کردن مبارزه ضد امپریالیستی مردم ، تقویت ضد انقلاب و بازگذاشتن دست امپریالیسم و ابادی آن برای توطئه چینی بر علیه صفوف متشکل خلق می انجامد ؟

اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم